

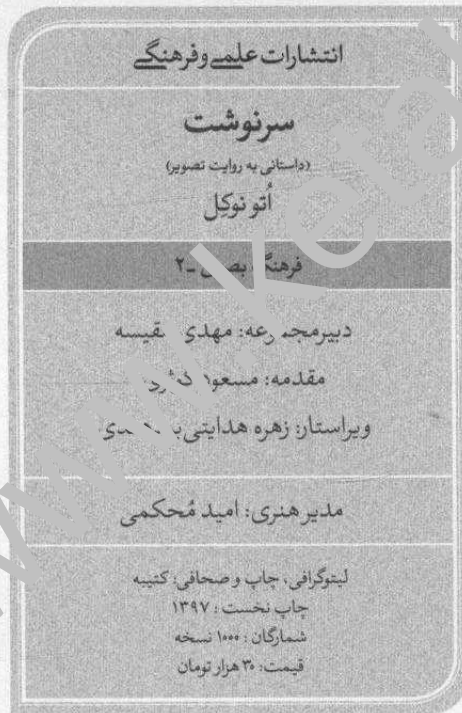
۱۵۱۲۹۵۱



پیشگفتار

www.ketab.ir

سرشناسه: نوکل، اوتو (۱۸۸۸-۱۹۵۶ م.) Nüchel, Otto
 عنوان و نام پدیدآور: سرنوشت: داستانی به روایت تصویر
 اُتو نوکل؛ مقدمه مسعود کوثری.
 مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری: ۲۲۶ ص.؛ مصور، ۱۸×۲۱ س. م.
 فروست: فرهنگ بصری؛ ۲.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۳۴-۲۷۲-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: عنوان اصلی:
 Destiny, a novel in pictures, 1930
 موضوع: داستان‌های بی‌واژه
 Stories without words: موضوع:
 موضوع: کتاب‌های مصور
 Picture books: موضوع:
 شناسه افزوده: کوثری، مسعود، ۱۳۴۲-، مقدمه نویس
 شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 رده‌بندی کنگره: ۴۱۳۹۶ س. ۴۱۳۹۶/۸۶
 رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۷۹۹۲۹



www.elmifarhangi.ir | info@elmifarhangi.ir
 www.ketabgostar.com | info@ketabgostar.com

ایمیل دفتر پروژه‌های ویژه: ef.specialprojects@gmail.com

در هم می آمیخت. مدرسه هنر و معماری باهاوس محصول همین همجواری است. در این فضای بارآور هنرمندان بزرگی به ظهور رسیدند که اوتونوکل از زمره ایشان است. نوکل البته تباری دیگریز داشت: هنرمندان اکسپرسیونیست آلمانی که تکنیک وودکات (وُود کُند = woodcut) را بهترین ابزار بیان خود یافته بودند، نه فقط از آنرو که امکان تکثیر ایده های هنری ایشان را به آسانی فراهم می کرد، بلکه تأثیر پرکتر است سیاه و سفید و خشونت و خالص تصویر حاصل از این شیوه را می پسندیدند، بلکه هم از آن جهت که آن را تدوام سنت استادان بزرگ آلمانی عهد گوتیک و رنسانس می شمردند.

نوکل در این تنها اثر بی کانس، متأثر از فضای فرهنگی جمهوری وایمار و نیز میراث دار پیشروان مکتب اکسپرسیونیسم آلمانی است. او راوی خاموش دردها و نگوینجی های انسانی است گرفتار در جنبه فقر، نابرابری اجتماعی، و اشتباهات فردی. در دل شهری که گویی از دل رمان های آلفرد دوبلین - به خصوص

اوتو نوکل (۱۸۸۰-۱۹۵۶) در سرنوشت داستان سقوط مائوسی زب آلمانی گمنامی را در ۱۸۸ تصویر روایت می کند اگرچه در تصاویر ارجاع تاریخی دقیقی به چشم نمی خورد، زمان و مکان وقوع داستان را می توان آن دوره جمهوری وایمار (۱۹۱۹-۱۹۳۳) دانست. دوره تورم عنان گسیخته، بحران سیاسی، سمارت ملی ناشی از شکست در جنگ اول و معاهده خفت بار ورسای، قدرت گرفتن شبه نظامیان، وسعت یافتن شکاف طبقاتی، تزلزل در نظام ارزش های سنتی، و خلاصه هرآنچه لازم بود تا حزب نازی و هیتلر را به قدرت رساند. اما به نحو تناقض آمیزی رنسانس فرهنگی و هنری آلمان نیز مولود همین دوره بود. آلمان، و به خصوص برلین دهه بیست، محل تصادم و همجواری فرهنگ و هنر جهان مدرن آن روزگار بود، سینمای هالیوود و موسیق جَز و به طور کلی فرهنگ پاپ از آمریکا، هنر آوانگارد و رئالیسم سوسیالیستی از اتحاد جماهیر شوروی، امپرسیونیسم و اکسپرسیونیسم و کوئیسم از پاریس، در برلین به هم می رسید و با احساسات تحول خواهانه نوگرایان آلمانی

پرلین، الکساندر پلاتز - و مکتب "عینیت نو" روییده است، جنگل انبوه سیمان، قرارگاه شیطان، روییده بر خاک حاصلخیز تناقضات، شکفته در رطوبت خفقان آور اخلاق، بیورژوازی، قهرمان داستان بخت و شانس ندارد و در اندرون ماشینی که از فقر نیرو می‌گردد و چرخ دنده هایش را سیاست و جامعه می‌نارد، خرد می‌شود.

سرنوشت (Fate) را اول بار ناشر مونیخی، دلفین، در سال ۱۹۲۸ منتشر کرد؛ یکی از نوآورانه‌ترین آثار چاپ هنری در جمهوری وایمار که در صورت و تنوع آثار مشابه پیشین برتری داشت. سرنوشت از منابع الهام لیند وارد در خلق کتاب مصور مرد خدا (۱۹۲۹) بوده است. توفیق اثر وارد موجب جلب توجه ناشران به کار نوکل و به دنبال آن چاپ سرنوشت به سال ۱۹۳۰ در آمریکا شد. که با استقبال شایان کتاب‌دوستان، منتقدان و هنرشناسان مواجه شد. سرنوشت نوکل از زمان اولین چاپ در آمریکا الهام بخش هنرمندان فعال در عرصه گرافیک ناول بوده است. به این اعتبار می‌توان او را بانی گرافیک ناول و تصویرگری بر مبنای چاپ دستی در آمریکا برشمرد. نوکل که شیوه ترسیم روایتی موجز و جاندار را از رهگذر تصویرگری آثار نویسندگانی بزرگ همچون توماس مان و برنتانو آموخته بود، خود را به یاری منطق بیانی تصویر از زبان

نوشتار بی‌نیاز می‌دید. ضرابه‌نگ، ساختار بصری، به خصوص ترکیب بندی تصاویر، و حتی قاب‌های حاوی شماره و عنوان فصول بیش از هر چیز سینمای صامت بزرگترین فیلمسازان اکسپرسیونیست آلمان را به خاطر می‌آورد. اثر نوکل به لحاظ قوت شخصیت‌پردازی و حس سینمایی بر آثار مشابه پیشین برتری داشت.

برخلاف ماسریل، وارد و دیگر هنرمندان متقدم و هم‌عصر که جهانی مردانه را به تصویر می‌کشیدند، هنرمند آلمانی، زنی را قهرمان داستان خویش قرار داد؛ فرد در یک سو و جمع در سوی مقابل؛ فردی قرار گرفته در رویارویی با چرخ آسیای متروپلیس، ذروه سرمایه‌داری در بحران مدام، که فرودستان را سرند می‌کند و خرد می‌سازد. بلژیکی و آمریکایی - ماسریل و وارد - به یک‌گویی می‌کنند، طرحی عظیم را به چاپ و نشر می‌آورند؛ آلمانی اما داستانی می‌سراید تا زنی را، سر را، زندگی زنی را، با مغار بر سر سرچشمه حک کند.

نوکل در تکنیک هم زور بود. سرنوشت اولین کتابی است که تاریخ ایران با تکنیک چاپ بر روی صفحه سر (Bleischritt) به وجود آمده است. در ابتدای کار نوکل از چوب استفاده می‌کرد، اما در دهه ۲۰ میلادی با کمپایی و گران شدن چوب از سویی و پی‌بردن به امکانات زیبایی‌شناختی چاپ سربی از سوی دیگر، به این نوع چاپ روی آورد، که اساساً در چاپ‌های تجاری

... و یکی از به‌یادماندنی‌ترین داستان‌های بی‌کلام» خواننده است. دیوید برونا، متخصص کتاب‌های بی‌کلام، آن را به دلیل پیچیدگی بیرنگ، تعهد اجتماعی، و آفریدن شخصیتی زنده «اثری پیشرو و صاحب سهمی ممتاز در تکامل هنر گرافیک معاصر» برشمرده است. به عقیده منتقد ادبی، کریستین گیمز، «کشش روانی» تصاویر داستانی با مضمون محرومیت، ظلم، و هجو ناهنجاری‌های اجتماعی، «ضرب‌آهنگ روانی گیرا و مسحورکننده‌ای» آفریده است؛ داستانی که شاید نمثلی از جمهوری وایمار باشد.

اینک بسیار خوشوقتم که پس از خوردن دیدن این کتاب از مجموعه «فرهنگ بصری» ه‌شود. در چاپ این کتاب تمام کوشش ما بر آن بوده که از هر لحاظ به اولین چاپ اثر که در نظر خود هنرمند انجام گرفته وفادار باشیم. تا حدود در اندازه اصلی است و در قطع کتاب نیز چاپ این را ملاک قرار دادیم.

مهدی مقبسه
دفتر پروژه‌های ویژه

و اقتصادی کاربرد داشت. این تکنیک به نوکل امکان داد تا از کنتراست بالای میان سیاه و سفید در کار دیگر هنرمندان معاصر - نظیر ماسریل - فاصله بگیرد و طیفی از تانکس‌تری‌های زیبا به دست آورد. آنچه در تکنیک نوکل جلب نظر می‌کند استفاده از مغازهای دندان‌دار (شانه‌ای) است که می‌توان آن‌ها را با تانکس‌تری‌های موازی را همزمان روی قه‌سری ایجاد کرد. با این روش هاشورهای منظم ایجاد می‌شود که سایه‌روشن‌هایی کنتراست‌آمیز روی اثر به وجود می‌آورد. تصاویر متشکل از خطوط منظم و ظریف متقاطع یا موازی که طیفی از سایه‌های خاکستری ایجاد می‌کند. دقت و جزئی‌نگری و نگاه تشریفاتی

و موشکاف که در تکنیک نوکل متجلی است شاید حاصل تحصیلات پزشکی او باشد؛ گویی بر بستر بیماری رنجور که درد می‌کاهدش و میان مرگ و زندگی دست و پا می‌زند حاضر است، یا در سالن تشریح بر بالین پیکری بی‌جان مشغول کالبدشکافی و یافتن علت مرگ است.

منتقدان بسیاری سرنوشت را ستوده‌اند. از جمله مارتین کوهن آن را «شاید حزن‌انگیزترین